

صادق چوبک و ناتورالیسم

صائمه اعجاز

استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، بانوان چونا منڈی لاهور
چکیده:

صادق چوبک یکی از معروف ترین نویسندگان ادبیات معاصر است بسیار او را همراه صادق هدایت و بزرگ علوی، پدران داستان نویسی نوین ایرانی می دانند. اگرچه صادق چوبک نمایشنامه نویس و مترجم هم بود ولی میدان اصلی او داستان نویسی بود. داستان های معروف او آنتری که لوطیش مرده بود، سنگ صبور، پیراهن زرشکی، روز اول قبر و تنگسیر اوضاع اجتماعی جامعه ایران پس از انقلاب مشروطه و جنگ جهانی به خوبی تصویرکشی می کنند. بیشتر داستان های وی درباره تیره روزی مردم است که اسیر حرمان و رنج هاستند. او در داستان های خودش مجموعاً اشخاص بدبخت ولی پناه و سرگردان را تصویر می کشد. صادق چوبک بازبان شکسته و عامیانه در داستان هایش به خوبی استفاده کرده است. همه جزئیات زندگی مردم را به طور احسن ارائه می دهد، در این طریق توصیف زندگانی، او به مکتب غربی "ناتورالیسم" خیلی نزدیک تر است. صادق چوبک در داستانهایش نمادگری، فرهنگ لوطی گری، تمثیل و طنز و انتقاد را به خوبی جای داده

است. رئالیسم ویژگی نمایان داستان هایش است. قهرمانان داستان های صادق آدم های زخم خورده و ناخوشایند و چیز خود باخت و گرسنه هستند و صادق با استفاده از زبان شکسته شخصیت های ظاهری و آمزش و باطنز و انتقاد جذبات و احساسات باطنی را با چابکدستی مطرح می کند.

واژه های کلیدی: صادق چوبک، ادبیات معاصر، زبان عامیانه، نمادگری، مردم عامه، ناتورالیسم، رئالیسم

صادق چوبک

صادق چوبک از نویسندگانی است که اهمیت او از یک اثر فراتر رفته است و به یکی از روزنه های تاریخ ادبیات معاصر تبدیل شده است. آثار او توسط منتقدان به نامی همچون "حسین پاینده"، "رونا براهنی"، "محمدعلی سپانلو"، "علی اکبر کسبایی" و دیگر بزرگان ادبیات نقد شده است و جامعه ی ادبی صادق چوبک را در کنار صادق هدایت و بزرگ علوی از پیشگامان داستان نویسی نوین در ایران می دانند.

صادق چوبک در سال ۱۲۹۵ درپوشهر به دنیا آمد. هر چند که از خانواده ای مرمول و تاجر بود، اما راه پدر را لوازمه ندا و دلبنندی ادبیات شد. او در سال ۱۳۱۲ به تهران آمد و مشغول عقیل در آتشکده آمریکایی تهران شد. بعد ها در وزارت فرهنگ استخدام شد، اما شغل اصلی او در تمام طول عمر مشی نویسندگی بود.

چوبک بازبان انگلیسی آشنای دو در ترجمه نیز دستی داشت. شعر "معروف کلاخ از ادکار آلن پو" را ترجمه کرده است و ردیای تاثیر از سبک دارد نویسی "پو" در آثار او دیده می شو.

"رضا براهنی" قصه های صادق چوبک را تلفیقی از تکنیک داستان نویس ادگار آلن

پو و تکنیک داستان های کوتاه قرن نوزده روسیه می داند. (براهنی، ۱۳۹۳: ۵۳۰)

داستان کوتاه به شکلی که آلتون راسخ است باتلاسی فردای هم چون صادق چوبک غنی و بر باد شد و توانست جایگاه خود را در ادبیات تثبیت کند- چوبک در طول حیات ادبی خود پیش از هر چیز دیگری به داستان کوتاه پرداخت-
تالیفات:

- ۱- خیمه شب بازی ۱۹۲۵م
- ۲- انتری که لوطیش مرده بود ۱۹۵۰م
- ۳- روز اول قبر مجموعه یانزده داستان
- ۴- توپ لاستیکی
- ۵- سنگ صبوری
- ۶- چراغ آخر
- ۷- آه انسان
- ۸- آدمک خوبی
- ۹- تنگسیر (نیایرانی ادب، ظهور الدین، ۱۹۹۰م، ۳۳۲)

در آثار قلمی او رنگ و بوی جنوب بخوبی پیداست- در داستانهای اولیه اش ، یعنی مجموعه داستان کوتاه خیمه شب بازی بیشتر به توصیف مناظر و نمایش روحیه افراد و بیان وابست شخصیت ها با یکدیگر پرداخته می شود و رویهمرفته بدیع و پرکشش است- در مجموعه جرا ادرا، طوفانی شد خلایق هنری چوبک شگفته می شود- (جعفر یاحقی، ۱۳۸۲، ۲۰۲)

صادق چوبک از دوستان صادق هدایت بود و از دیدگاه ادبی نیز از هدایت تاثیر پذیرفته است- اما داستان هایش ویژگی های خاص خود را دارد- چوبک با استادی می تواند موقعیت ها و حالت های عاطفی را شرح دهد و این نشان از استعداد بی نظیر او در مشاهده دارد- به ویژه علاقه به زندگی و کارهای مردم عادی در آثار او مشاهده می شود و این امر را تاکنون هیچ جز هدایت به خوبی او انجام نداده است-

در آثار صادق چوبک گو نه ای ازدوگانگی را هم می توان یافت. از یک سو ناامیدی ناشی از قدرت های قهار و از دیگر سو فرقی ژرف از اسارتی که خود چوبک نیز او آن در رنج بود، مشاهده می شود. هم چنین می بینم که او هرگاه می خواهد نقاب از چهره ی ستم بردارد، می داند که در این صورت فرد دست از مبارزه خواهد کشید. داستان اسایه ادب، و نمایش تک پرده ای توپ لاستیکی نمونه های موفق برای پاسخ هایی طنز آمیز به پرسش های نهفته در دل مردم است. (بزرگ علوی، ۱۳۸۶، ۲۸۲)

شاید بتوان صادق چوبک را یکی از واقع بین ترین داستان نویسان معاصر ایران دانست، نگاه بی طرفانه و بی ترجم چوبک به فساد وزشتی، برای خوانندگان ایرانی که از گرش احساساتی و مواعظ اخلاقی نویسندگان مختلف خسته شده بودند، از عوامل مهم شهرت اوست. (حسن، عابدینی، ۱۳۶۹، ۱۵۹)

چوبک بعد از دوره رضاشاه، با کمک هدایت و تخت لوی او وارد صحنه ادبی شد و همانند دیگر نویسندگان آن دوره در محفلی که پیرامون هدایت تشکیل می شد، شرکت می کرد و از اندیشه های بکروخلاق او بهره می گرفت و در داستانهای نخستین خود از لحاظ لفظ به تقلید هدایت، همان فارسی کوچه و بازار را به کار می برد و از لحاظ معنی سخن تلخ و ضد خرافه و ضد باورهای کهنه را به کار می گرفت. (محمد علی، ۱۳۷۰، ۲۴۹)

وی میراث هدایت را صادقانه به ارث برد و با اولین مجموعه قصه هایش محبوبیت شایانی کسب کرد. در میان منتقدانی که او را تمجید کردند هدایت را تیز می توان بر شمرد. او در آغاز کار، خود را به عنوان یکی از قصه نویسان ایران شناساند که احساسی عمیق از زبان یومی خود و بینش ژرفی از انگیزه های درونی رفتار انسان دارد. همین عوامل حاکی از قابلیت چوبک بود و وی را با هدایت برابر می نهاد، اما نقص کارش آن بود که آن اطلاعات وسیع در فرهنگ ایران و همدلی و بزرگ منشی ای را که هدایت داشت، فاقد بود. (محمد علی، ۱۳۷۰، ۲۵۰)

چوبک از جمله روشن فکرائی بود که در سالهای پس از شهریور ۲۰ تحت تاثیر صادق هدایت، به نوآوردی در ادبیات معاصر می‌اندیشد و همراه با چهره‌هایی چون، جلال آل احمد و گلستان و دنیال جمالزاده و هدایت و علوی داستان کوتاه فارسی را به یکی از شاخه‌های اصلی ادبیات ایران تبدیل می‌کردند. البته ذکر این مطلب ضروری است که نویسندگان نسل بعد از جمالزاده و هدایت و علوی بافضای داستان نویسی آمریکا نیز آشنا شدند و آثار نویسندگانی مثل "استاین بک" و "همینگوی" و "فالکنز" تاثیر عمیقی بر آنها گذاشت. این نویسندگان تحت تاثیر شگردهای نویسندگان آمریکایی داستان‌های خود را نوشتند. (میر صادقی، ۶۲۱)

یک جنبه نمایان داستان کوتاه‌های صادق چوبک ناتورالیسم است که وی را به مکتب "ناتورالیسم" غربی نزدیک کرده است. بالخصوص در قصه‌های، کوتاه چوبک شیوه ادگار آلن پو، قصه نویس و شاعر آمریکایی با تکنیک داستان نویسان اواخر قرن نوزدهم روسیه، مانند چخوف، تلفیقی ملایم و مستقل صورت گرفته است. در داستان‌های چوبک ما با اشخاص بدبخت و بی‌پناه و سرگردان جامعه روبروی شویم. و اوباکمال استادانه و بی‌طرفانه جزئیات زندگانی آنان را توصیف می‌کند. این ویژگی او را به مکتب ناتورالیست نزدیک می‌کند.

او به عمد و دقت به زوایایی می‌نگریست که از نابسامانی‌ها و رسوایی‌ها نشان‌های برجسته داشت دیدی اغلب متوجه مناظر انزجار آمیز و نفرت انگیز زندگی، که به زبان عوام و اصطلاحات تندآنان سخت نیازمند بود. ناآنجا که ریکک ترین دشنام‌ها را نیز در کارهای او می‌توان دید. خاصه اینکه چوبک بیشتر به پایین‌ترین سطح جامعه انسانها، آنها که از هر لحاظ (جسم و روح) محکوم و مطرود شده‌اند، توجه داشت از همین روست که او را نویسنده‌ای "ناتورالیست" خوانده‌اند. (محمد حقوقی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱، ۱۱۲)

داستانهای "گل‌های گوشی"، "زیر چراغ قرمتر" پیراهن زرشکی، "آن روز که دریا توفانی شده بود" بعد از ظهر آخر پائیز" و عدل تشانگر همین دید و زبان هستند.

ویژگیهای نمایان داستان کوتاه های صادق چوبک

۱- زبان:

زبان چوبک کاملاً عامیانه و پراز اصطلاحات مردم عامه است. او زبان را طبق نقش داستان به کار می برد. مثلاً اگر کودک حرف می زند، کودکانه حرف می زند، کودکانه می اندیش زن زنانه حرف می زند و فکر می کند.

بعضی از منتقدان زبان چوبک را متفاوت از دیگران می دانند رضا براهنی می گوید: "چوبک زبانی خاص خود دارد. گرچه در اوایل، این زبان همسائیکی های جا زبان هدایت داشت.

آقای عابدینی در این باره می گوید:

"داستان انتری که لوطی اش مرده بود، تمثیلی از سال های پس از سال های ۱۳۲۰ است که دیکتاتور رفته بود. روان شناسی اجتماعی توده که از ترس عادت مقهور استبداد بود و بابلا تکلیفی آزادی را تجربه می کرد اما حاکمیت ضربه های خود را یکی پس از دیگری وارد می کرد و مردم بی بهره از رهبری آگاه از حادثه ای به حادثه ای دیگر رانده می شدند. تاپس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر به استبداد تن در می دهند." (عابدینی)

این تمثیل و نمادگری در اغلب داستان های چوبک دیده می شود. چوبک در شخصیت پردازی قدرت کاملی دارد و به دقت تمام جزئیات را درباره شخصیت هایش به خوبی بیان می کند.

طنزو انتقاد:

طنز نوعی گفتار است که جهت انتقاد و یا التذاذ مخاطب به کار گرفته می شود. ادبیات معاصر ایران از طنز برای بازتاب دیدگاه های انتقادی استفاده می کند. چنانچه داستان پرداز جدی نویسی چون چوبک، زمانی که قلم جد احساس عجز می کند، از طنز یاری می جوید، واکاوی طنز داستان های او می تواند درک گفتار های مسلط داستان

های وی و دوره ای از تاریخ ایران، نقش تاثیر گذاری داشته باشد. طنزهای چوبک را از لحاظ درون مایه و کارکرد می توان به چهار دسته فلسفی، اجتماعی، سیاسی و پیشبرنده تقسیم کرد. طنز فلسفی و اجتماعی وی نسبت به دیگر طنزهایش تلخ تر است. گفتان اصلی آن، بازتاب نگاه پوچگرایانه نسبت به زندگی است. گفتان اصلی نویسنده در طنز اجتماعی، ضدیت با نادانی، فقر و فساد اجتماعی، در طنز سیاسی ضدیت با نظام مصلطه است. طنز ساده و پیشترنده کمتر انتقادی است و برای گسترش داستان و شخصیت پردازی مورد استفاده قرار می گیرد. (صفورا سادات رشیدی، علی اکبر باقری خلیلی، ۱۳۹۵، ص ۲)

ولی بعدها چوبک آن همسایگی را پشت سر گذاشت و به سوی زبانی دقیق ترا ز زبان هدایت آمد.

یکی از نوآوری های چوبک استفاده از زبان گفتار به جای نوشتار است، او این زبان را وسیله هنری برای بازسازی تصاویر واقعی مردم ایران قرار داد.

صادق چوبک با زبان ساده و طنز آمیز استفاده می کند. به این وسیله او مناظر انزجار آمیز و نفرت انگیز زندگی را نمایان می کند و برای ترسیم عواطف روانی و فضای خارجی با محاوره و اصطلاحات عامیانه کمک می گیرد.

تمثیل و نمادگری:

در داستان های چوبک حیوان ها نقش ویژه دارند. گاه به طور شخصیت های کامل و حتی گاهی به عنوان شخصیت های اصلی. اغلب جاها استفاده از حیوانات در داستان های چوبک جنبه ی تمثیلی دارد. حضور حیوانات و اشیاء در داستان ها، یک نوع اهمیت شخصیت های انسان را از بین برده و سیب جذابیت و ایجاد تنوع می شود.

فرهنگ لوطی گری:

ادبیات داستانی که معمولاً عبارت از، رُمان، داستان کوتاه و داستانک است و از دوره مشروطه داشت شکل می گرفت، حاوی موضوعات جامعه آن زبان و شخصیت های نمایان و تاثیر گذار جامعه است. در زندگانی اجتماعی آن دوره شخصیت ها مانند لوطیان تاثیر

و احترام زیادی داشتند- به وسیله ادبیات معاصر ما با شخصیت های اینجوری آشنا شدیم در داستان های کوتاه صادق هدایت و صادق چوبک لوطی ها اغلب دیده می شوند- مثلاً داش آکل صادق هدایت و انتری که لوطیش مرده بود صادق چوبک تاثیر پذیری لوطی ها را به خوبی نمایان می کنند-

اگر ما به وقت نگاه می کنیم می یا بیم که بنای اغلب ادبیات معاصر بر فرہنگ عمومی نهاده شده است- مادر داستان های کوتاه این دوره با مردم روبرو می شویم که بی پول و محروم اندو برای دست آوردن لوازمات زندگانی میان غلط و درست امتیاز نمی کنند مانند "پیراهن زرشکی" که عکاس خوب آدم های این قماش است-

در داستان های صادق چوبک نقش های داستان با اهمیت ویژه برخوردارند و طبق جایگاه خودش حرف می زنند- این ویژگی صادق چوبک است کی او از نقش های خودش گفتگو می کند و گفتگو و لحن شخصیت های داستانی را اینجوری ترسیم می کند که شخصیت ظاہری و باطنی وی بینش نگاه خواننده مرتسم می شود- صادق چوبک در داستان ها زبان عامیانه استفاده کرده است- وقتی دو نقش باهم حرف می زنند، او باکمال چیرگی گفتگوهای آنان را بدون هیچ کم و کاست می نویسد، حتی در تصویر گیری زندگانی گناه آلود و لذت پرستی مردم بدون هیچ شرم و عار نمایان می کند-

چوبک در جزئیات نگاری و کرداری نگاری ید طولی دارد او ہر ہر عادت و حرکت را چنان استادانه عرضه می کند کہ خواننده خودش را جزو آن داستان حس می کند و لذت می برد-

در داستان کوتاه "عدل" چوبک جامعاً ایران دورہ مشروطہ باہمہ زشتی هاو خوبی بہ نظر می رسد- انزجار آمیز رفتار مردم، بی حسی، خود خواهی رہگذری از پاسبانی کہ مشغول خوردن لبوست، می خواهد کہ باگلولہ کارش را تمام کند- ولی او می گوید: "جواب دولت را چه بگویم" و از راحت کردن اسب خود داری می کند- لبو فروش کنار خیابان، در حالی کہ لبوی خود را تبلیغ می کند، گاہ نیز این جملہ را بر زبان می آورد:

”اتول بهش زده، سقط شده“ واسب که همچنان باچشمان ملتس نفس های آخرین می کشد-

صادق چوپک در این اثر کوتاه ترین خودش حقیقت طنز آمیز ”عدل“ را به خوبی نمایان کرده است- اینجا اسب که نماد همان آدم بیچاره و مجبور است که از مردم بااثر و مردم عمومی جامعه التماس ترحم می کند او نیازمند کمک دیگران است می خواهد که کسی دستش بگیرد و او را از سختی رها کند ولی هر کسی او را ریشخند می کند فقط درباره حالتش چیزی بگوید و می گزرد- کسی بهش تاسف نمی خورد و دستگیری نمی کند- وقتی ما از خواندن این داستان کوتاه فراغت می یابیم با تاسف و ریشخند به مفهوم طنز آمیز ”عدالت و عدل“ می اندیشیم-

بی دادگری، شهوت و جنس پرستی جای جای دیده می شود- این زشتی ها زبان چوپک را هم به طنز و انتقاد و سختی وادار کرده است- وقتی او شکل بدنمای جامعه را بیان نمایان می کند، زبان او هم تند و سخت می شود-

اگرچه در همه داستان های کوتاه صادق زندگانی اجتماعی ایران نقش کشیده حس می شود ولی یک داستان کوتاه که ”عدل“ نام دارد بی حسی و بی دادگری و خود خواهی مردم عامه و مردم دولتی را به خوبی آشکار می کند- فضای این داستان کوتاه، به عنوان طنز آمیز و بسیار مناسب ”عدل“ را بر خوردار- است و درباره اسب نیم جان در شکه ای سخن می گوید که میان آب های یخ زده جان می کند و بیشتر اعضای بدنش خرده شده اند- سپردها و عملها سعی می کنند که او را از جوی بیرون آورند ولی موفق نمی شوند- درین لحظات که اسب در مشکل گرفتار است، همه درکارهای خودشان مشغول اند- هر کسی که از آنجا می گذرد چیزی می گوید و راه خود را ادامه می دهد-

کتاب شناسی و منابع:

- حقوقی، محمد، ۱۳۷۷، ادبیات امروز ایران، تهران
- جعفر یاحقی، دکتر محمد، ۱۳۷۵، چون سیوی تشنه، انتشارات جام، تهران-

- علوی، بزرگ، ۱۳۸۵، تاریخ ادبیات معاصر ایران، مترجم دکتر سعید فیروزآبادی، تهران، جامی،
- عابدینی، حسن، ۱۳۶۹ صدسال داستان نویسی در ایران، دو جلد، تهران، نشر تندر -
- اسلامی تدوشن، محمدعلی، ۱۳۷۰، آواها و ایماها، انتشارات یزدان، چاپ چهارم،
- میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، مؤسسه فرهنگی ماهور، چاپ آسمان -
- رشیدی، ۱۳۹۵ صفورا سادات، باقری خلیلی، علی اکبر، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره سوم، پاییز